



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۴/۳۰

محمد مُحق

## در باره وحی و نبوت

موضوع بالا یکی از پیچیدهترین موضوعات الهیاتی در کلام اسلامی است. نبوت البته طبق این دیدگاه نتیجه وحی است. اما اینکه خود وحی چیست، چگونه اتفاق می افتد و چگونه می توان آن را به بوتۀ آزمایش گذاشت تا تفاوت آن با اختلالات روان شناختی محرز شود، و با چه سازوکارهایی می توان به این اطمینان رسید، پیوسته محل بحث و گفتگو بوده است، هم در سطح برون دینی میان موافقان و مخالفان و هم در سطح درون دینی میان نحله های مختلف عقیدتی.

بدون شک این موضوع با این پیچیدگی نه در یک سخنرانی یا مقاله می گنجد و نه حتی در یک کتاب. اگر قرار باشد به همه ابعاد آن پرداخته شود به ناگزیر پای مبانی انسان شناختی و نیز مبانی جهان شناختی به میان می آید، زیرا بدون توافق بر سر آنها رسیدن به توافق بر سر وحی و نبوت ناممکن می شود.

در گفتگویی که من در باره دیدگاه های علی مبروک داشتم و در پست قبلی به آن اشاره کردم و پیوند آن را همگانی ساختم، اجمالاً به بررسی دیدگاه این متفکر پرداختم. او در کتاب "النبوة من علم العقائد إلى فلسفة التاريخ" به این نظر است که نگرش صرف کلامی به روش کلاسیک در باره این موضوع کافی نیست، و به ویژه در روزگار ما چندان کارآیی ندارد. به نظر او وحی یک رویداد منحصر به فرد است که در نقطه تلاقی امر قدسی با انسان در مقطعی از تاریخ و از رهگذر امر زبانی صورت می گیرد. به عبارتی، از نظر او وحی، البته به مفهوم رایج در ادیان ابراهیمی و دیانت های بین النهرین، دارای چهار رکن است:

یک) امر قدسی، مطلق یا خدا،

دو) انسان یا پیامبر،

سه) تاریخ با هر دو بعد زمانی و مکانی،

چهار) زبان به عنوان مهم ترین مکانیسم انتقال پیام/یافته های غیر متعارف .

وی می گوید پیامبر در چنین تعریفی از وحی، نقش منفعل ندارد و بلکه به عنوان یک مصلح اجتماعی وارد نقش آفرینی می شود و میدان فعالیت او تاریخ است، و تلاش او معطوف به حرکت تاریخ به سوی سپهری اخلاقی است، و وی برای ادای این رسالت مهم ترین ابزاری که دارد امر زبانی است و از آن طریق معارف و یافته های معنوی خود را با دیگران در میان می گذارد و به کمک آنان بر روند تاریخ اثر می گذارد. از این رو هم باید درک روشن تری از

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

قواعد کلی حاکم بر تاریخ داشت و دید با چه دینامیکی عمل می‌کند، هم از ظرفیت‌های انسانی برای فراتر رفتن از سقف شرایط زمانه و ترسیم افقی گشوده‌تر برای انسان‌ها، و هم از عنصر زبان و محدودیت‌ها و اثرگذاری‌های آن بر شکل دادن به آگاهی فردی و جمعی.

آنچه علی مبروک در این کتاب گفته است در جاهایی با نظرات برخی نحله‌های اسلامی مانند معتزله قرابت پیدا می‌کند و در جاهایی از آن فراتر می‌رود و به اومانيسم مدرن نزدیک می‌شود. با این هم این بحث همیشه پرونده‌ای باز دارد و گفتگو بر سر آن هرگز به پایان نخواهد رسید.

می‌ماند این‌که آیا در این عصر و این شرایط آیا واقعا به چنین مباحثی نیاز است، یا این‌که این مناقشات هیچ وقت راه به جایی نخواهد برد و بهتر است پرونده آن‌ها را برای همیشه بست. من همانند شماری دیگر به این نظرم که بدون بازنگری در این تئوری‌ها به کمک یافته‌های علمی و فلسفی جدید، و بدون نوسازی سامانه الهیاتی راهی به دگرپذیری، کثرتگرایی، و عبور از تنگناهای فکری کنونی نخواهیم داشت. از این رو تلاش‌های جدی روشمند در این زمینه از نظر من اهمیت خاصی دارد.



آرشیف: نویسنده در پورتال افغان جرمن آنلاین